

بررسی تحولات ساختاری خوداشتغالی با استفاده از روش شناسی تجزیه^۱ طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۵

هادی قوامی^{۲*}

تاریخ ارسال : ۸۱/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۸۲/۵/۲۱

چکیده

در این مقاله، تحولات ساختاری خوداشتغالی طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۵ در کل و بخش‌های اقتصاد ایران با استفاده از روش تجزیه بررسی شده است، بدین صورت که کل تغییرات خوداشتغالی در مقاطع ده ساله به عواملی مانند سهم اشتغال و سهم خوداشتغالی تجزیه شده و سهم هر عامل و نحوه تأثیرش بر تغییرات خوداشتغالی کل طی دوره زمانی گفته شده بررسی، همچنین، تغییرات خوداشتغالی بخش‌های اقتصاد نیز به دو عامل فوق تجزیه شده و سهم هر عامل و نحوه تأثیرش طی مقاطع ده ساله مشخص شده است و نشان داده شده که در چه مقطعی و به چه میزان، خوداشتغالی کل و بخش‌های اقتصاد تحت تأثیر مثبت یا منفی تغییرات اشتغال کل و تغییرات بخش‌ها بوده است. همچنین، تحولات خوداشتغالی بر اساس سن، جنس، شهری و روستایی و مقایسه با انواع اشتغال دستمزدی بخش خصوصی و عمومی نیز بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: خوداشتغالی، کارکنان مستقل، کارکنان روزمزد و حقوق بگیر، شهری، روستایی.

1. Decomposition

*دانش آموخته دوره دکترای اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

۲. برخورد لازم می‌دانم از نکات ارزشمندی که داوران محترم مجله در خصوص کیفیت بهتر مقاله ارایه فرمودند،

کمال تشکر را بنمایم.

Email: ghavami_h@yahoo.com

۱. مقدمه

نگاهی اجمالی به ترکیب اشتغال در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که بخش بزرگی از نیروی کار تمایل دارند که رئیس خودشان، یا به عبارتی مستقل باشند. خوداشتغالی فرصتی را برای افراد فراهم می‌آورد که بتوانند برنامه‌های خود را عملی کنند، زمانی که دوست دارند کارکنند و به هیچ‌کس پاسخگو نباشند. در واقع، فرد خوداشتغال با اتکا به توان شخصی، ابتکار و خلاقیت خود به کارهای تولیدی و خدماتی می‌پردازد. از ویژگی‌ها و امتیازات این بخش از اشتغال آن است که فرد را به تدریج آماده کسب توانایی‌های لازم برای ورود به بازارهای بزرگتر و گسترده‌تر می‌کند، بر این اساس، خوداشتغالی و کار برای خود، زمینه‌ساز رشد اشتغال آزاد و کارآفرینی در جامعه است.

خوداشتغالی به لحاظ انعطاف‌پذیری ساعات کار و استقلال در شرایط کار، طی سال‌های اخیر از استقبال قابل توجهی برخوردار بوده است. خود اشتغالی، هر نوع فعالیت تولیدی، خدماتی مولد ارزش اقتصادی در بخش غیر مزدبگیری را شامل می‌شود و تمامی مشاغل فردی موجود در بخش غیر مزدبگیری اشتغال و همه افرادی که در زمینه‌های صنعتی، کشاورزی، خدماتی برای خود کار می‌کنند در محدوده فعالیت‌های خوداشتغالی قرار دارند. به عبارت دیگر، همه آنهایی که برای خود و به حساب خود کار می‌کنند و تابعیت اقتصادی از کارفرما (اعم از بخش دولتی یا خصوصی) ندارند، خوداشتغال محسوب می‌شوند، از این رو، خوداشتغالی به عنوان کار مستقل و غیرتابع پدیده‌های جدید در اقتصاد نیست و ریشه‌های عمیق در فرهنگ کهن جوامع بشری دارد.

بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که در جوامع اولیه، اشتغال به طور کامل در بخش غیر مزدبگیری بوده و به تدریج با گسترش فعالیت‌های اقتصادی، طی هزاران سال، گروهی پذیرفته‌اند که مسئول سود و زیان خود نباشند، افزون بر این، همواره با روند افزایش جمعیت، گرایش به تولید انبوه یک نیاز می‌شود و مراکز بزرگ تولیدی شکل می‌گیرند. در این مرحله، اکثریت می‌خواهند برای دیگران کار کنند، دستمزدی بگیرند و درآمدی ثابت و مستمر (هرچندانک) داشته باشند. این، یک محدودیت داشت، محدودیت در توانایی‌هایی که با عنوان خلاقیت، نوآوری و استعدادها یافته هستند، اما، همه افراد روحیه پذیرش این‌گونه محدودیت‌ها را ندارند و می‌خواهند برای خودشان و به حساب خودشان کار کنند. در این مقاله، تحولات ساختاری خوداشتغالی طی دوره بلند مدت ۱۳۳۵-۱۳۷۵ بررسی می‌شود.

فرضیه اصلی مقاله این است که، در بلند مدت در اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۳۵-۱۳۷۵ به تدریج خود اشتغالی در نقاط روستایی کاهش و خود اشتغالی در نقاط شهری افزایش یافته است. منظور از خوداشتغالی نقاط روستایی، کلیه فعالیت‌هایی است که در آن فعالیت‌ها از فناوری و تجهیزات پیشرفته استفاده نمی‌شود و به شیوه ساده و دستی انجام می‌شود، که بیشتر این فعالیت‌ها در مناطق روستایی و

شامل فعالیت‌های کشاورزی است. به طور مثال، استفاده از حیوانات برای شخم زدن، درو کردن محصولات کشاورزی با داس به وسیله کشاورزان، قالی‌بافی و گلیم‌بافی دستی و... خود اشتغالی نقاط شهری شامل کلیه مشاغلی که با گسترش نقاط شهری به وجود می‌آیند. به طور مثال، گسترش بخش‌های خدمات، حمل و نقل، آب و برق و گاز، ساختمان، صنعت و... فعالیت‌هایی مانند خرده‌فروشی، کار یک پزشک، یک وکیل دعاوی، یک متخصص منحصر به فرد اطفای حریق چاه‌های نفت در سطح بین‌المللی، یک برنامه‌ریز و تحلیل‌گر سیستم رایانه‌ای، یک صنعتگر ماهر، یک افزارمند ماشین‌آلات، یک فیلم ساز، یک نقاش و...

این مقاله، به این شکل سازماندهی شده است که در بخش ۲، مروری اجمالی بر پژوهش‌های انجام یافته، در بخش ۳، روش پژوهش در بخش ۴، خوداشتغالی بر اساس جنسیت و نقاط شهری و روستایی، در بخش ۵، خوداشتغالی بر اساس گروه‌های سنی، در بخش ۶، خوداشتغالی در مقایسه با اشتغال دستمزدی بخش‌های خصوصی و عمومی در بخش ۷، تجزیه خوداشتغالی در ۹ بخش اقتصادی و در نهایت، نتایج آورده شده است.

۲. مروری اجمالی بر پژوهش‌های انجام شده

پس از سال‌ها پژوهش بر روی اقتصاد کار آفرینی، به خصوص بر روی خود اشتغالی، نتایج مناسبی حاصل شده است.

بلانچ فلاور و اوزوالد (۱۹۹۸)^(۳) در یافتند که احتمال و امکان خوداشتغالی تا حد زیادی بستگی به این دارد که آیا فرد تاکنون ارث یا پاداشی دریافت کرده است؟ نتایج پژوهش‌های بلانچ فلاور (۱۹۹۸)^(۴) در رابطه با خود اشتغالی در کشورهای OECD نشان می‌دهد که:

۱. گرایش کلی به خود اشتغالی در سطح اقتصاد در سال‌های پس از ۱۹۹۶ در بسیاری از کشورها کاهش یافته است به جز پرتغال، زلاندنو و انگلستان، که این تمایل در آنجا افزایش یافته است.
۲. در مورد بسیاری از کشورها، نوعی ارتباط منفی میان نرخ خوداشتغالی و نرخ بیکاری وجود دارد، از پژوهش‌های انجام گرفته شواهدی مبنی بر اثرات مثبت در کشورهای ايسلند و ایتالیا موجود نیست. این اثرات در بخش کشاورزی به شدت منفی هستند.
۳. احتمال خوداشتغال شدن در میان مردان از زنان بیشتر بوده و با افزایش سن، بیشتر می‌شود. کم سواد ترین افراد بیشترین احتمال خوداشتغالی دارند، البته، شواهدی نیز وجود دارد که با سواد ترین افراد نیز، نسبتاً احتمال بالایی از خوداشتغالی دارند.
۴. سطح رضایت شغلی افراد خوداشتغال بالاتر از کارکنان رسمی است.
۵. بین نرخ خوداشتغالی و نرخ رشد حقیقی اقتصاد رابطه منفی وجود دارد.

۶. تمایل به انتقال افراد خود اشتغال یافته به منطقه دیگر کمتر از کارکنان رسمی است. زیرا، آنها نمی‌توانند مشتری‌هایشان را با خود منتقل کنند.

نورماسامانینگو (۱۹۹۸)^(۵)، سیاست‌ها و روندهای اخیر در خوداشتغالی شهری در مکزیک را بررسی کرده است، او، نشان داده که برای نزدیک به سه دهه، در خلال فرایند صنعتی شدن (از اوایل دهه ۱۹۵۰ تا پایان دهه ۱۹۷۰) اقتصاد مکزیک تغییرات سریعی را تجربه کرده و به موازات آن، اشتغال، دستمزد و حقوق بگیری نیز رشد سریعی داشته است. فرضیه ضمنی او این است که رشد اقتصادی در نواحی شهری به تدریج خود اشتغالی سنتی را کاهش داده است.

رابرت دبلیو فایرلی و برث دی. می بر (۱۹۹۸)^(۶)، روند خود اشتغالی میان مردان سفید پوست و سیاه پوست را طی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۱۰ بررسی کردند، آنها، تأثیر عواملی چون تغییرات در نرخ‌های مالیات، منافع بازنشستگی تأمین اجتماعی، توزیع سنی نیروی کار و مهاجرت بر خود اشتغالی و همچنین، روند خود اشتغالی در بین بخش‌های اقتصادی را بررسی کردند، و نشان دادند که نرخ خود اشتغالی مردان سفید پوست از ۱۶ درصد در سال ۱۹۱۰ به ۱۰ درصد در سال ۱۹۷۰ کاهش یافته است و سپس، به ۱۱/۴ درصد در ۱۹۹۰ افزایش یافته است. آنها نشان دادند که، عواملی چون تغییر نرخ مالیات‌ها، مزایای بیمه اجتماعی، توزیع سنی نیروی کار و مهاجرت قادر به توضیح کاهش درازمدت از ۱۹۱۰ - ۱۹۷۰ و افزایش از ۱۹۷۰ - ۱۹۹۰ نیستند و نتیجه گرفتند که کاهش درازمدت بیشتر به دلیل کاهش نرخ‌های خوداشتغالی داخل تمامی بخش‌هاست و افزایش ۱۹۷۰ - ۱۹۹۰ عمدتاً "به علت انتقال اشتغال به صناعی است که خود اشتغالی بالایی دارند، مثل ساختمان، حمل و نقل و خدمات.

۳. روش پژوهش

با استفاده از آمارهای سرشماری عمومی نفوس و مسکن که هر ده سال یک‌بار به وسیله مرکز آمار ایران انجام می‌گیرد و همچنین، آمار سرشماری جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰، آمار کارکنان مستقل (که در این مطالعه، معادل خود اشتغالی گرفته شده است)، استخراج شده و براساس جنسیت، شهری - روستایی، سن، ۹ بخش اقتصادی شامل بخش‌های کشاورزی، استخراج معدن، صنعت، آب و برق و گاز، حمل و نقل و ارتباطات، هتل داری و رستوران و مشاغل عمده و خرده فروشی، ساختمان، خدمات و مشاغل اظهار نشده و انواع اشتغال بررسی شده است. برای بررسی تغییرات کلی خوداشتغالی و داخل بخش‌های اقتصاد از روش شناسی تجزیه استفاده شده است که در زیر به اختصار بیان شده است.

۳-۱. روش شناسی تجزیه

روش شناسی تجزیه به عوامل به عنوان پایه‌ای برای تحلیل‌های تجربی از سوی اوآکساکا (۱۹۷۳)^(۷) ارائه شد. او، فرض کرد که درآمدهای زنان و مردان به شکل زیر مشخص می‌شود:

$$\ln W_m = X_m \beta_m + \varepsilon_m \quad (۱)$$

$$\ln W_f = X_f \beta_f + \varepsilon_f \quad (2)$$

X_m و X_f به ترتیب متغیرهایی هستند که بر درآمد مردان و زنان تأثیر می‌گذارند ε_m و ε_f جمله اخلال هستند. تفاوت بین میانگین هندسی درآمدهای مردان و زنان را می‌توان به عواملی همچون، تفاوت مردان و زنان در خصوصیات مشاهده شده و نسبت‌های باقیمانده تجزیه کرد، که به شکل رابطه زیر بیان می‌شود:

$$\overline{\ln(W_m)} - \overline{\ln(W_f)} = (\overline{X_m} - \overline{X_f})\beta_m + (\beta_m - \beta_f)\overline{X_f} \quad (3)$$

$(\overline{X_m} - \overline{X_f})\beta_m$ بخشی از تفاوت است که ناشی از تفاوت در خصوصیات است، به شکلی به وسیله ضرایب معادلات درآمد مردان ارزیابی شده است. جمله دوم $(\beta_m - \beta_f)\overline{X_f}$ بیانگر نسبتی است که به وسیله شکاف درآمدها توضیح داده نشده است. بخشی از آن ناشی از تفاوت در روش است که ویژگی‌های قابل مشاهده توسط معادلات درآمد، ارزیابی و تفسیر شده‌اند. تفاوت درآمدها همچنین، می‌تواند با استفاده از معادلات زنان برای ارزیابی تفاوت ویژگی‌های مردان و زنان تجزیه شود، به طوری که $(\overline{X_m} - \overline{X_f})\beta_f$ بیانگر بخشی از تفاوت‌های ناشی از تفاوت در ویژگی‌ها است. در این مطالعه، از ضرایب رگرسیون مردان و زنان برای یک محدوده از تخمین‌های تجزیه استفاده شده است. تحلیل‌ها برای هر دو گروه زنان و مردان اطلاعاتی را درباره تفاوت در درآمد فراهم می‌کند که طی فرایندی برای زنان و مردان مشخص شده است.

ما در این مقاله، از روش تجزیه به این صورت استفاده کردیم که ابتدا، نرخ کلی خوداشتغالی را برای هر سال به دست آورده که برابر با مجموع نرخ‌های خوداشتغالی بخش‌های مختلف که وزنی از سهم اشتغال بخش‌ها هستند، سپس، تغییر در نرخ خوداشتغالی کل از سال ۱۳۳۵ به سال ۱۳۴۵ و از سال ۱۳۴۵ به سال ۱۳۵۵ و از سال ۱۳۵۵ به سال ۱۳۶۵ و از سال ۱۳۶۵ به سال ۱۳۷۰ و از سال ۱۳۷۰ به سال ۱۳۷۵ محاسبه کرده و کل تغییر را به دو عامل سهم اشتغال و سهم خوداشتغالی تجزیه کرده‌ایم تا سهم هر عامل و نحوه تأثیرش را بر نرخ کلی خوداشتغالی به دست آوریم.

۴. خوداشتغالی بر اساس جنسیت، شهری و روستایی

در این بخش، وضعیت کارکنان مستقل (خوداشتغالی) بر اساس جنسیت و شهری و روستایی طی دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ بررسی شده است، برای این منظور، با استفاده از آمارهای سرشماری عمومی نفوس و مسکن، وضعیت کارکنان مستقل بر اساس جنسیت و شهری و روستایی طی دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ در جدول (۱) آورده شده است. بر اساس نتایج این جدول، نسبت کارکنان مستقل مرد

به کل کارکنان مستقل در سال ۱۳۳۵ برابر ۹۵ درصد است در حالی که در سال ۱۳۷۵ نسبت فوق به ۹۳ درصد کاهش یافته است، این نسبت بیانگر این واقعیت است که اولاً، نسبت بالایی از کارکنان مستقل را مردان تشکیل می‌دهند و سهم زنان از خوداشتغالی بسیار پایین است. ثانیاً، نسبت خوداشتغالی زنان طی دوره ۴۰ ساله فوق از ۵ درصد به ۷ درصد افزایش داشته است که نشان می‌دهد به تدریج سهم زنان افزایش ناچیزی داشته است. البته این تفاوت، بیانگر تبعیض فاحش در بازار کار خوداشتغالی است. بررسی وضعیت کارکنان مستقل زن و مرد در نقاط شهری و روستایی نشان می‌دهد که نسبت زنان خوداشتغال در نقاط روستایی ۸ درصد است در حالی که این نسبت در نقاط شهری ۵ درصد است که نشان می‌دهد زنان در نقاط روستایی بیشتر از زنان در نقاط شهری در خوداشتغالی مشارکت دارند.

بررسی وضعیت کارکنان مستقل بر اساس شهری و روستایی طی دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد که نسبت کارکنان مستقل شهری به کل کارکنان مستقل در سال ۱۳۳۵ حدود ۲۵ درصد و طی سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۰، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۵ به ترتیب به ۲۶، ۲۷، ۳۳، ۴۰، ۴۴ و تقریباً ۵۰ درصد افزایش یافته است. در واقع، طی دوره ۴۰ ساله فوق سهم بخش شهری ابتدا، به تدریج و سپس، طی دوره ۱۳۳۵-۱۳۷۵ با شتاب بیشتری افزایش داشته است و نسبت کارکنان مستقل نقاط روستایی از حدود ۸۰ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۵۰ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. همچنین، شایان توجه است که ۸۰ درصد کارکنان مستقل نقاط روستایی در کارهای کشاورزی فعالیت داشته‌اند و به دور از روش‌های نوین و ماشین آلات پیشرفته، بخش کشاورزی را اداره می‌کردند و با توجه به اینکه سهم اشتغال بخش کشاورزی طی دوره مذکور کاهش یافته، به دنبال آن، خوداشتغالی در نقاط روستایی کاهش یافته است. در حالی که خوداشتغالی در بخش‌های حمل و نقل، مشاغل عمده و خرده فروشی، خدمات، صنعت و ساختمان که بیشتر در نقاط شهری است، افزایش یافته است.

۵. وضعیت خوداشتغالی در گروه‌های سنی

جدول (۲) نسبت کارکنان مستقل در گروه‌های سنی ۱۰-۱۴ ساله، ۱۵-۱۹ ساله، ۲۰-۲۴ ساله، ۲۵-۲۹ ساله، ۳۰-۳۴ ساله، ۳۵-۳۹ ساله، ۴۰-۴۹ ساله، ۴۵-۴۹ ساله، ۵۰-۵۴ ساله، ۵۵-۵۹ ساله ۶۰-۶۴ ساله و ۶۵ ساله و بیشتر به کل کارکنان مستقل طی دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول گروه‌های سنی ۲۲-۴۴ و ۶۵ ساله‌ها و بیشتر، ۶۰ درصد کارکنان مستقل را به خود اختصاص داده و نسبت به گروه‌های دیگر سنی، بیشترین درصد کارکنان مستقل را دارند. و کمترین درصد خوداشتغالی مربوط به گروه‌های سنی ۱۰-۲۴ ساله‌ها است و سایر گروه‌های سنی در

حد وسط دو گروه کلی یادشده هستند. در واقع، نتایج جدول نشان می‌دهد که با افزایش سن، خوداشتغالی افزایش می‌یابد. همچنین، بررسی وضعیت کارکنان مستقل طی دوره زمانی ۱۳۲۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد که نسبت کارکنان مستقل گروه‌های سنی ۱۰-۲۴ ساله به کل کارکنان مستقل از حدود ۲۸ درصد در سال ۱۳۲۵ به حدود ۱۳ درصد در ۱۳۷۵ کاهش یافته است. دلیل کاهش سهم گروه‌های سنی فوق را می‌توان به طور عمده، در افزایش ضریب پوشش تحصیلی در طی زمان، کاهش خوداشتغالی سنتی بخش کشاورزی که نیاز فراوان به نیروی کار در سنین مختلف داشت، خلاصه کرد.

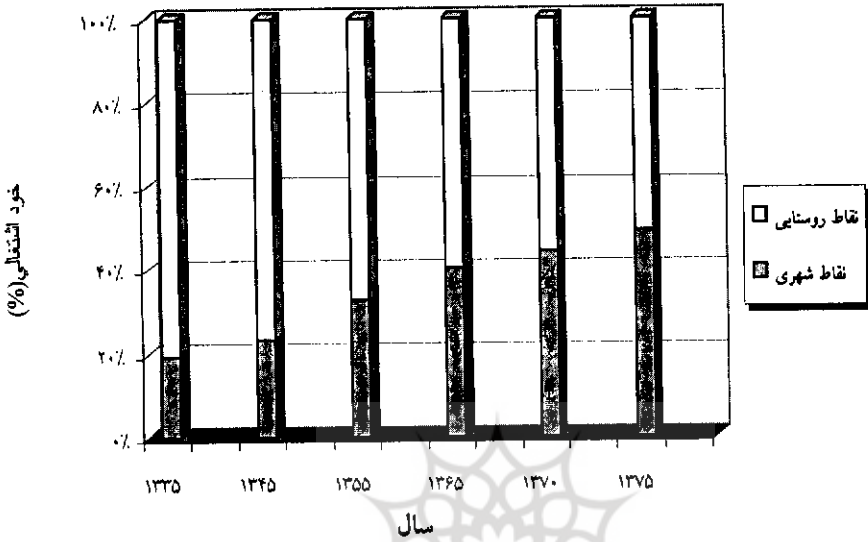
جدول ۱- خوداشتغالی براساس جنس، شهری و روستایی

خوداشتغالی	۱۳۲۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵
کل کشور زن و مرد	۲۴۳۵۳۴۵	۲۶۵۸۸۵۱	۲۸۱۰۲۱۱	۴۳۹۷۸۹۷	۵۴۵۳۰۰۰	۵۱۹۸۹۹۱
کل کشور مرد	۲۳۰۴۴۷۲	۲۴۶۱۱۳۹	۲۶۷۹۵۱۸	۴۲۱۶۷۱۱	۵۱۹۷۰۰۰	۴۸۵۱۶۸۷
کل کشور زن	۱۳۰۸۷۳	۱۹۷۷۱۲	۱۳۰۶۹۲	۱۸۱۱۸۶	۲۵۶۰۰۰	۳۴۷۳۰۴
نقاط شهری زن و مرد	۴۷۳۶۹۷	۶۳۴۲۰۰	۹۱۵۲۸۳	۱۷۴۱۷۲۵	۲۴۰۱۰۰۰	۲۵۳۴۸۴۳
نقاط شهری مرد	۴۵۳۳۷۰	۵۹۰۱۰۰	۸۷۵۳۴۱	۱۶۹۳۴۴۳	۲۳۲۸۰۰۰	۲۴۰۸۸۱۴
نقاط شهری زن	۲۰۳۲۷	۴۸۲۸۲	۳۹۹۴۲	۴۸۲۸۲	۷۳۰۰۰	۱۲۶۰۲۹
نقاط روستایی زن و مرد	۱۹۶۱۶۴۸	۲۰۸۵۹۰۰	۱۸۹۴۹۲۸	۲۶۱۳۴۷۴	۳۰۳۳۰۰۰	۲۶۲۷۲۴۷
نقاط روستایی مرد	۱۸۵۱۱۰۲	۱۹۱۹۷۰۰	۱۸۰۴۱۷۷	۲۴۸۲۴۸۲	۲۸۴۰۰۰۰	۲۴۰۸۴۰۹
نقاط روستایی زن	۱۱۰۵۴۶	۱۶۶۲۰۰	۹۰۵۷۱	۱۳۰۹۹۲	۱۸۳۰۰۰	۲۱۸۸۲۸

منبع: سال‌های مختلف سرشماری، مرکز آمار ایران.

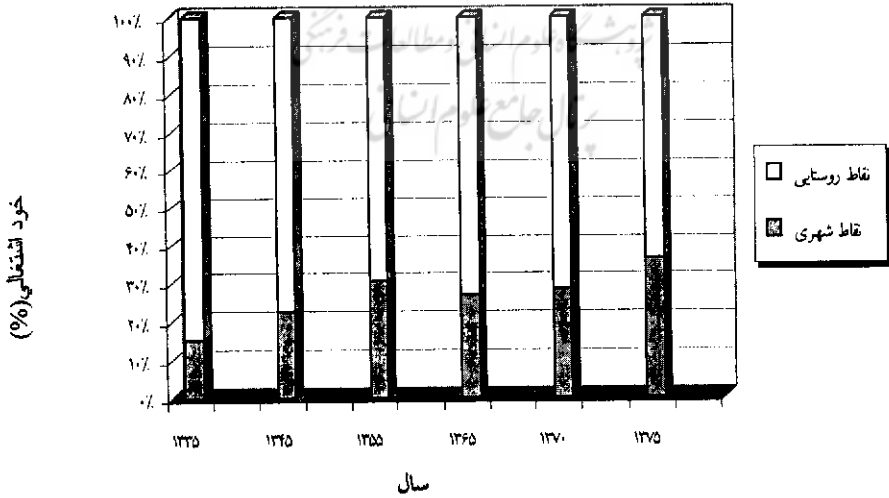
واحد، نفر است.

نمودار ۱- مقایسه خوداشتغالی در نقاط شهری و روستایی طی دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵



نمودار ۲- مقایسه درصد خود اشتغالی زنان در نقاط شهری و روستایی طی دوره زمانی

۱۳۳۵-۱۳۷۵



همچنین، سهم گروه‌های سنی ۲۵-۶۴ و ۶۵ ساله و بیشتر از حدود ۷۸ درصد در سال ۱۳۳۵ به حدود ۸۷ درصد در ۱۳۷۵ افزایش یافته است. با توجه به اینکه طی دوره زمانی گفته شده بخش شهری نیز گسترش زیادی پیدا کرد و به دنبال آن، زمینه‌های خوداشتغالی نیز افزایش یافته است و همچنین، افرادی که از مشاغل مزدبگیری بازنشسته می‌شوند، به دلیل شرایط نامطلوب اقتصادی و فشار هزینه‌های زندگی تمایل دارند وارد فعالیت‌های خوداشتغالی شوند، چون هم از تجربه کاری لازم برخوردارند و هم حداقل سرمایه لازم برای ورود به یک فعالیت خوداشتغالی را دارند، به طور مثال، معلمان و کارمندان بازنشسته‌ای که با حداقل اندوخته‌های دوران کار وارد فعالیت‌هایی از قبیل رانندگی، خرده فروشی و... شده‌اند، لذا، نسبت خوداشتغالی گروه‌های سنی بالاتر از کل خوداشتغالی افزایش یافته است.

جدول ۲- توزیع خوداشتغالان در گروه‌های مختلف سنی *

گروه‌های سنی	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵
۱۰-۱۴ ساله	۶	۹	۶	۱/۸	۲/۲	۰/۱۸۸
۱۵-۱۹ ساله	۱۰	۱۱	۱۲	۶	۱۱	۴/۱
۲۰-۲۴ ساله	۱۲	۱۱	۱۴	۸/۵	۱۶	۸/۴
۲۵-۲۹ ساله	۱۱/۳	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۴
۳۰-۳۴ ساله	۱۰/۵	۱۳	۱۰	۱۲	۱۳	۱۳
۳۵-۳۹ ساله	۱۱	۱۱	۱۰	۹/۳	۱۱	۱۳
۴۰-۴۴ ساله	۱۱/۲	۱۱	۱۰	۸/۳	۷	۱۰
۴۵-۴۹ ساله	۶	۷	۸	۹/۲	۶	۷
۵۰-۵۴ ساله	۵/۵	۵	۸	۱۰	۵	۶/۳
۵۵-۵۹ ساله	۵	۲	۴	۹	۵	۶/۴
۶۰-۶۴ ساله	۴/۵	۴	۳	۷/۵	۴	۷
۶۵ و بیشتر	۵	۳	۴	۶	۵	۱۰
نامشخص	۰/۰۴	۰/۰۴۲	۰/۰۳۵	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۲
جمع	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰

منبع: سال‌های مختلف سرشماری، مرکز آمار ایران.

* واحد، درصد است.

ع. خوداشتغالی در مقایسه با انواع اشتغال

در این بخش، وضعیت خوداشتغالی در مقایسه با انواع اشتغال دستمزدی بخش‌های عمومی و خصوصی بررسی می‌شود. بر اساس آمار مرکز آمار ایران درصد خوداشتغالی طی دوره زمانی ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب ۴۲، ۳۹، ۳۲، ۴۰ و ۳۶ درصد بوده است. در حالی که سهم کارکنان دستمزدی بخش عمومی طی دوره فوق به ترتیب ۷/۱۶، ۹/۷، ۱۹، ۳۱ و ۲۹ درصد بوده است، و سهم کارکنان دستمزدی بخش خصوصی طی دوره فوق به ترتیب برابر با ۳۸، ۳۸/۴، ۳۴/۹، ۲۲/۴ درصد بوده است.

در مقایسه با خوداشتغالی، سهم کارکنان دستمزدبگیر بخش عمومی طی دوره زمانی یادشده از ۸ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۰ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است که نشان‌دهنده حضور بخش دولتی در بازار کار است. البته، سهم بخش دولتی در دوره زمانی ۱۳۶۵-۱۳۷۵ از ۳۱ درصد به ۲۹ درصد کاهش یافته است که ناشی از سیاست‌های دولت در زمینه تعدیل اقتصادی و کاهش استخدام نیروی کار است.

در مقایسه با خوداشتغالی، سهم کارکنان دستمزد بگير بخش خصوصی کاهش شدیدتری داشته است، نسبت اشتغال کارکنان دستمزد بگير بخش خصوصی که در سال ۱۳۳۵ برابر ۳۸ درصد بوده است به ۲۲ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است، یعنی تقریباً به نصف تقلیل یافته است.

کارکنان مستقل یا خوداشتغالان از جمله شاغلان بخش خصوصی هستند که در واحدهای کوچک تولیدی فعالیت می‌کنند و از سوی دیگر، مترادف با گسترش بخش خصوصی هستند. افزون بر این، کارکنان مستقل به عنوان شاخصی از بخش غیر رسمی اقتصاد نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. حال، اگر شاغلان بخش خصوصی را که شامل کارکنان مستقل، کارکنان دستمزدبگیر و فامیلی یا بدون دستمزد و کارفرمایان، هستند در نظر بگیریم، سهم بخش خصوصی در اختصاص شاغلان به خود تا سال ۱۳۴۵ نزدیک به ۹۰ درصد بوده است و بیشترین سهم (۴۲ درصد) مربوط به خوداشتغالی است. در حالی که سهم بخش عمومی تنها ۷-۱۰ درصد از کل اشتغال را به خود اختصاص می‌دهد. سهم بالای خوداشتغالی در این دوره را می‌توان به عنوان نشانه‌ای از وسعت واحدهای کوچک خودگردان در نظر گرفت. در این دوران، بخش کشاورزی غالباً به دور از روش‌های نوین و ماشین‌آلات پیشرفته اداره می‌شده و در مقایسه با این بخش، شاغلان بخش‌های صنایع و خدمات بسیار کمتر هستند.

طی سال‌های ۱۳۳۵ - ۱۳۴۵ به دنبال به اجرا درآمدن برنامه‌های عمرانی دوم و سوم، زیرساخت‌های اقتصادی و توسعه شبکه‌های ارتباطی مورد توجه قرار می‌گیرد و با اعتباراتی که دولت به انجام این امور اختصاص می‌دهد، سهم بخش عمومی از ۷/۶۳ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۹/۶۶ درصد در سال ۱۳۴۵

افزایش پیدا می‌کند ولی با این وجود، باز هم بخش خصوصی و مخصوصاً خوداشتغالی سهم عمده تولید و اشتغال را در کشور به عهده داشته است. در طول دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم به اجرا در می‌آیند که هر دو برنامه بخش صنایع را در اولویت قرار داده و کمترین اولویت به بخش کشاورزی داده می‌شود.^۱ در طی این برنامه‌ها الگوی توسعه بر مبنای صنعتی کردن ایران و رها کردن بخش کشاورزی، طرح‌ریزی می‌شود، به طوری که رشد صنایع تولیدی جایگزین واردات، از اهم اهداف برنامه قرار داشته است. هم زمان شدن اجرای برنامه پنجم با افزایش قیمت نفت موجب می‌شود که در این برنامه، صنعتی شدن ایران مورد تأکید بیشتر قرار گیرد و مقادیر زیادی اعتبارات نیز صرف شبکه‌های زیربنایی کشور و همچنین، توجه خاصی به بخش ساختمان و مسکن شود، بدین صورت که در این دهه با انجام سرمایه‌گذاری‌های کلان، زمینه اشتغال در بخش عمومی افزایش یافته و سهم این بخش به یک باره از ۹/۷ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۹/۰۱ درصد در سال ۱۳۵۵ افزایش پیدا کند.

شاغلان بخش عمومی در طول دهه ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ نیز افزایش شدیدی داشته، به طوری که سهم این بخش در اشتغال از ۱۹/۰۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳۱/۳۲ درصد در سال ۱۳۶۵ می‌رسد. بررسی وضعیت شاغلان کشور در این دهه نشان می‌دهد که طی دهه مذکور جمعیت شاغل از ۸۷۹۹۴۲۰ نفر به ۱۱۰۳۵۹۶۲ نفر رسیده که ۲۲۳۶۵۴۲ نفر افزایش نشان می‌دهد. ترکیب شاغلان در بخش خصوصی گویای این است که شاغلان این بخش در طول این ده سال فقط ۳۱۸۰۱ نفر افزایش داشته که در مقایسه با بخش عمومی بسیار ناچیز است.

در این راستا، گفتنی است که مزدبگیران و حقوق‌بگیران بخش خصوصی از ۳۰۷۷۱۹۲۷ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۸۸۱۶۶۸۲ نفر در سال ۱۳۶۵ کاهش پیدا کرده است. در مقابل، خوداشتغالی از ۲۸۱۰۲۱۱ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۴۳۹۷۸۹۷ نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش پیدا کرده است. به عبارت دیگر، سهم خوداشتغالی که شاخصی از فعالیت‌های غیر رسمی در اقتصاد نیز محسوب می‌شود، از ۳۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۴۰ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش می‌یابد. این افزایش در بخش خدمات و ساختمان به مراتب بیشتر از سایر بخش‌ها بوده است. در واقع، بر خلاف سال ۱۳۳۵ که خوداشتغالی عمده‌تاً مربوط به واحدهای تولیدی کوچک و واحدهای کشاورزی می‌شود، در سال ۱۳۶۵ بخش خدمات و ساختمان سهم بیشتری از کارکنان مستقل را به خود اختصاص می‌دهند. همچنین، نرخ رشد خوداشتغالی در فعالیت‌های نامشخص طی دهه ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵، به طور سالانه ۳۶/۶ درصد است. افزون بر این، از آن جایی که دهه مذکور با وقوع انقلاب اسلامی و همچنین، دوران جنگ توأم است، دلایلی

۱. خلاصه برنامه عمرانی چهارم، قسمت اول کلیات اقتصادی، فصل سوم، برنامه عمرانی پنجم کشور، فصل چهارم.

همچون، تحولات ایجادشده ناشی از حالت انقلابی و وجود جنگ تحمیلی موجب تعطیلی برخی از مؤسسات شده، یا اینکه شرایط اقتصادی از شمار آنها کاسته است که کاهش شدید مزدبگیران و حقوق‌بگیران بخش خصوصی (که بخش رسمی تلقی می‌شوند)، در این دوران به خوبی نمایانگر آن است.

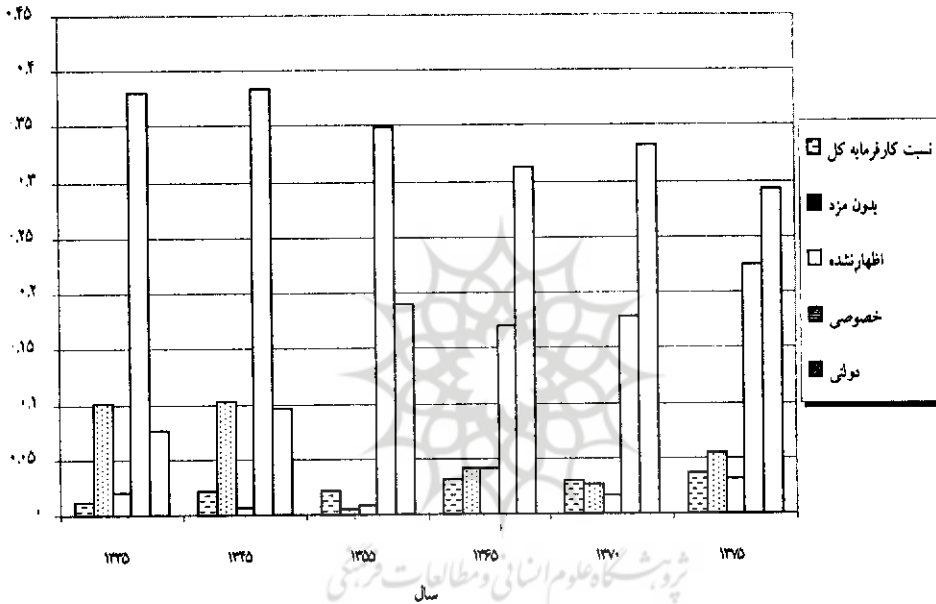
در نتیجه کاهش مزدبگیران و حقوق‌بگیران بخش خصوصی و افزایش خوداشتغالی در این بخش، شاغلان این بخش تقریباً ثابت مانده ولی شاغلان بخش عمومی از ۱۶۷۳۰۹۳ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۳۴۵۴۴۳۷ نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش پیدا کرده است، که به میزان ۱۷۸۱۳۴۴ نفر رشد داشته است. با توجه به اینکه افزایش کل شاغلان کشور در این دهه برابر با ۲۲۰۲۱۳۱ نفر است، مشخص می‌شود که بیش از ۸۰ درصد افزایش اشتغال در این دوران مربوط به بخش عمومی بوده است. شرایط بحرانی جنگ و سطح بالای بیکاری پس از انقلاب دولت را بر آن داشت که استخدام در ادارات دولتی را افزایش داده و از سوی دیگر، ایجاد نهادهای انقلابی از قبیل سپاه پاسداران، جهادسازندگی، بنیادها، نهضت سوادآموزی و... موجب شد تا علی‌رغم رکود شدیدی که بر بخش خصوصی حاکم بود، سهم شاغلان بخش عمومی به شدت گسترش پیدا کند. در واقع، می‌توان گفت که در طول دهه ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ هر گونه اشتغالی که ایجاد شده مربوط به بخش خدمات بوده است.

به عبارت دیگر، می‌توان کل اشتغال ایجاد شده در این دهه را متعلق به بخش خدمات دانست. معمولاً هر زمان که رشد اشتغال در بخش صنعت دچار رکود شده، بخش خدمات آن را جبران کرده و به شدت به شاغلان خود افزوده است. رشد اشتغال بخش خدمات طی سال‌های ۱۳۶۵ - ۱۳۳۵ به جز در مواردی که بخش عمومی ایجاد اشتغال کرده است با توجه به کاهش مزدبگیر و حقوق‌بگیران بخش خصوصی و افزایش خوداشتغالی در این بخش، زمینه گسترش بخش غیر رسمی را به طور وسیعی در مناطق شهری افزایش داده است.

در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ سهم بخش خصوصی در اشتغال کشور از ۶۴/۴۹ درصد به ۶۷/۲۲ درصد افزایش پیدا کرده است و در مقابل، سهم بخش عمومی از ۳۱/۴ درصد به ۲۹/۲۲ درصد کاهش یافته است. در این دهه بر خلاف دهه قبل که قسمت عمده‌اش مربوط به بخش عمومی بود، بخش خصوصی ۷۶ درصد از کل افزایش اشتغال را به عهده داشته است و سهم بخش عمومی از افزایش اشتغال تنها محدود به ۲۴ درصد شده است. در این دهه مجدداً، با ایجاد شرایط مطلوب اقتصادی زمینه‌های فعالیت بخش خصوصی فراهم شده و به دنبال آن، رشد اشتغال در بخش صنعت به ۴/۸ درصد رسیده است. افزایش نرخ رشد اشتغال در بخش صنعت به میزان زیادی از رشد اشتغال در بخش خدمات کاسته و موجب کاهش نسبی فعالیت در بخش‌های غیر رسمی و نامشخص است که در پی گسترش رسمی

اشتغال در فعالیت‌های صنعتی به وجود آمده است. نمودار (۵) خوداشتغالی را در مقایسه با کارکنان دستمزد بگیر بخش عمومی و خصوصی نشان می‌دهد. براساس این نمودار، سهم خوداشتغالی همواره بیشتر از کارکنان دستمزد بگیر بخش عمومی و خصوصی بوده است.

نمودار ۵- نسبت کارکنان گروه‌های مختلف شغلی به کل اشتغال



۷. تجزیه خوداشتغالی در بخش‌های اقتصاد

اکنون، روندهای خوداشتغالی در تمام بخش‌های اقتصادی را بررسی می‌کنیم، در جدول (۳) نرخ‌های خوداشتغالی و سهم اشتغال ۹ بخش اقتصادی [کشاورزی، استخراج معدن، صنعت، آب و برق و گاز، هتل‌داری و رستوران و مشاغل عمده و خرده‌فروشی، حمل و نقل، ساختمان، خدمات (مالی و بیمه، ملکی، تجاری، اجتماعی و شخصی) و مشاغل اظهار نشده] طی دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ گزارش شده است. تغییرات عمده‌ای در هر دو نرخ‌های خوداشتغالی و سهم اشتغال هر بخش طی ۴۰ سال گذشته اتفاق افتاده است. برای شناسایی اهمیت نسبی روندها در دو عامل فوق و ایجاد یک روند در خوداشتغالی کل از روش تجزیه استفاده کرده ایم.

نرخ خوداشتغالی کل در هر سال برابر است با مجموع نرخ‌های خوداشتغالی بخش‌های مختلف که وزنی از سهم اشتغال بخش‌ها هستند. بنابراین، می‌توان تغییر در نرخ خوداشتغالی کل از سال t به سال S را به شکل زیر نشان داد:

$$\Delta S_e = \sum E_{t+s}^i S_{t+s}^i - \sum E_t^i S_t^i \quad (۴)$$

$$i = ۱, \dots, ۹$$

که در آن

ΔS_e ، تغییر در نرخ خوداشتغالی کل از سال t به سال S

E_t^i ، سهم اشتغال بخش i از کل اشتغال در سال t

S_t^i ، نرخ خود اشتغالی بخش i در سال t

i ، تعداد کل بخش‌ها

معادله (۴) را می‌توان به شکل دو رابطه زیر نیز نوشت:

$$\sum E_{t+s}^i (S_{t+s}^i - S_t^i) + \sum (E_{t+s}^i - E_t^i) S_t^i \quad (۵)$$

$$\sum E_t^i (S_{t+s}^i - S_t^i) + \sum (E_{t+s}^i - E_t^i) S_{t+s}^i \quad (۶)$$

این دو معادله، بیانگر تجزیه تغییر در نرخ خوداشتغالی کل است. مجموع اول در هر دو معادله نشان دهنده تغییرات در نرخ خوداشتغالی در هر بخش است. در حالی که سهم هر بخش ثابت و مجموع دوم هر دو معادله بیانگر تغییرات در سهم اشتغال هر بخش است، در حالی که نرخ‌های خوداشتغالی ثابت است.

در جدول (۴) تخمین‌های معادلات (۵) و (۶) برای تغییرات در نرخ‌های خوداشتغالی کل در دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که تغییرات در نرخ خوداشتغالی کل در دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۴۵ و ۱۳۴۵-۱۳۵۵ به ترتیب ۰/۰۲۴- و ۰/۰۶۹- و در دوره زمانی ۱۳۵۵-۱۳۶۵ و ۱۳۶۵-۱۳۷۰ به ترتیب ۰/۰۷۹ و ۰/۰۱۸ و دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۳۷۵ برابر ۰/۰۵۹- بوده است. به عبارت دیگر، در دوره ۲۰ ساله ۱۳۳۵-۱۳۵۵ خود اشتغالی کل کاهش یافته است که بخشی از این کاهش به دلیل کاهش نرخ خوداشتغالی و بخشی به دلیل کاهش سهم اشتغال است، که در ده‌ساله اول ۱۳۳۵-۱۳۴۵ سهم نرخ خوداشتغالی بیشتر از سهم اشتغال بوده در حالی که در دوره ده‌ساله دوم ۱۳۴۵-۱۳۵۵ سهم اشتغال بیشتر از سهم نرخ خوداشتغالی در کاهش خوداشتغالی کل مؤثر بوده

است. بررسی ده ساله سوم ۱۳۵۵-۱۳۶۵ نشان می‌دهد که نرخ خوداشتغالی به میزان قابل توجهی افزایش یافته است، در حالی که سهم اشتغال در این دوره منفی بوده است ولی تغییرات مثبت نرخ خوداشتغالی داخل بخش‌ها بر تغییرات منفی سهم اشتغال فایز آمده و نرخ خوداشتغالی کل را مثبت کرده است، در دوره ۵ ساله ۱۳۶۵-۱۳۷۰ نرخ کلی خود اشتغالی مثبت بوده که تغییرات مثبت به دلیل تغییرات مثبت نرخ خوداشتغالی داخل بخش‌ها بوده است. به طور کلی، سهم اشتغال از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ بر خوداشتغالی کل تأثیر منفی داشته است، در دوره ۵ ساله ۱۳۷۵-۱۳۷۰ نرخ خوداشتغالی کل کاهش یافته که بر خلاف دو دوره قبل سهم اشتغال افزایش یافته در حالی که سهم نرخ خوداشتغالی کاهش یافته است ولی تغییرات مثبت سهم اشتغال اثر تغییر منفی نرخ خوداشتغالی داخل بخش‌ها را خنثی و آن را در کل مثبت کرده است.

برای توضیح بیشتر دلایل تغییرات در نرخ کلی خوداشتغالی، ما سهم هر بخش اقتصادی را در تغییر نرخ خوداشتغالی در ادامه مشخص کرده‌ایم، به خصوص ما به تجزیه کردن سهم هر بخش برای تغییرات موجود در نرخ خوداشتغالی کلی می‌پردازیم که بخشی مربوط به تغییرات در نرخ خوداشتغالی هر بخش و بخشی مربوط به تغییرات سهم اشتغال هر بخش است. اکنون، سهم هر بخش اقتصادی را به شکل زیر تعریف می‌کنیم:

$$C^i = E_{t+s}^i (S_{t+s}^i - \bar{S}_{t+s}) - E_t^i (S_t^i - \bar{S}_{t+s}) \quad (7)$$

C^i ، عبارت است از سهم بخش i که تغییر در نرخ خوداشتغالی در فاصله بین دو سرشماری را نشان می‌دهد.

\bar{S}_{t+s} ، متوسط نرخ خوداشتغالی کل در سال $t+s$ می‌باشد.

C^i ، این سهم وابسته به دو عامل تغییر در سهم اشتغال بخش و تغییر در نرخ خوداشتغالی بخش نسبت به نرخ خوداشتغالی متوسط در سال $t+s$ است. حال، با جمع و تفریق کردن $E_t^i (S_{t+s}^i - \bar{S}_{t+s})$ یا

به رابطه (۷) دو رابطه زیر را به دست می‌آوریم:

$$C^i = [E_t^i (S_{t+s}^i - S_t^i)] + [(E_{t+s}^i - E_t^i) (S_{t+s}^i - \bar{S}_{t+s})] \quad (8)$$

$$C^i = [E_{t+s}^i (S_{t+s}^i - S_t^i)] + [(E_{t+s}^i - E_t^i) (S_t^i - \bar{S}_{t+s})] \quad (9)$$

جمله اول داخل کروشه در هر دو معادله، بیانگر سهم حاصل از تغییر در نرخ خوداشتغالی بخش t از تغییر در نرخ خوداشتغالی کل از سال t به سال $t+s$ است. جمله دوم داخل کروشه در دو معادله بالا بیانگر سهم حاصل از تغییر در سهم نسبی اشتغال کل بخش t از سال t به سال $t+s$ است.^۱

تخمین‌های روابط (۷)، (۸)، (۹) در جدول (۵) گزارش شده است. نتایج جدول بیانگر این واقعیت است که سهم خالص نرخ خوداشتغالی بخش کشاورزی به جز دوره زمانی ۱۳۴۵-۱۳۵۵ که به طور مثبت تغییر کرده، در سایر سال‌ها کاهش یافته است.

در دوره زمانی یاد شده سهم خالص بخش‌های کشاورزی، صنعت، (هتل‌داری، رستوران و مشاغل عمده و خرده‌فروشی)، حمل و نقل، (آب و برق و گاز) و مشاغل اظهار نشده تغییرات منفی داشته است که بیشترین کاهش مربوط به بخش‌های صنعت و حمل و نقل بوده است. شایان توجه است که کاهش نرخ خالص خوداشتغالی بخش‌های کشاورزی و مشاغل اظهار نشده، مربوط به کاهش سهم اشتغال این بخش‌ها است، درحالی که سهم نرخ خوداشتغالی در بخش‌های مذکور افزایش یافته است، بر عکس دو بخش یادشده، کاهش خالص نرخ خوداشتغالی در چهار بخش دیگر مربوط به کاهش نرخ خوداشتغالی در داخل بخش‌ها است، البته، در بخش صنعت (آب و برق و گاز)، هر دو سهم نرخ خوداشتغالی داخل بخش‌ها و اشتغال منفی است. در سایر بخش‌ها (معدن، ساختمان و خدمات مالی، شخصی، ملکی، اجتماعی و...)، خالص نرخ خوداشتغالی مثبت است. در بخش معدن، هر دو سهم مؤثر بر نرخ خالص خوداشتغالی کل مثبت در حالی که در دو بخش ساختمان و خدمات، سهم اشتغال منفی است، ولی سهم خوداشتغالی داخل دو بخش مثبت بوده است و بر اثر منفی سهم اشتغال غلبه کرده و آن را مثبت کرده است.

بررسی دوره زمانی ۱۳۴۵-۱۳۳۵ نشان می‌دهد سهم خالص نرخ کلی خوداشتغالی در این دوره منفی بوده، تنها در بخش‌های (آب و برق و گاز)، حمل و نقل و مشاغل اظهار نشده، سهم خالص نرخ خوداشتغالی شان مثبت بوده است. هر دو سهم مؤثر بر نرخ خالص خوداشتغالی در بخش‌های (آب و برق و گاز)، حمل و نقل مثبت بوده است ولی در بخش مشاغل اظهار نشده سهم خوداشتغالی داخل بخش منفی و سهم اشتغال بخش مثبت بوده است، لکن نرخ خالص خوداشتغالی در بخش‌های کشاورزی، معدن، صنعت (هتل‌داری، رستوران و مشاغل عمده و خرده‌فروشی)، ساختمان و خدمات (مالی، شخصی، ملکی، اجتماعی و...) منفی است که در مجموع، نرخ کلی بخش‌ها در دوره فوق را منفی

۱. روش دیگر این است که به جای \bar{S}_{t+s} از \bar{S}_t در معادله (۷) استفاده کنیم، که نتایج تقریباً یکسانی می‌دهد، نتایج آن را در این مقاله گزارش نکرده ایم.

کرده و موجب کاهش خوداشتغالی در این دوره شده است. در بخش‌های مذکور که نرخ خالص کلی خوداشتغالی منفی بوده، دو سهم مؤثر بر نرخ کلی خوداشتغالی نیز در بخش‌های معدن، صنعت و خدمات (مالی، شخصی، ملکی، اجتماعی و...)، منفی بوده است. در حالی که در بخش‌های کشاورزی (هتل‌داری، رستوران و مشاغل عمده و خرده‌فروشی)، و ساختمان سهم مربوط به خوداشتغالی داخل بخش‌ها مثبت بوده ولی سهم مربوط به اشتغال منفی است که در نهایت، نرخ خالص کلی را منفی کرده است. به عبارت دیگر علی‌رغم اینکه نرخ خوداشتغالی داخل بخش‌های فوق افزایش داشته ولی به دلیل کاهش سهم مربوط به اشتغال خالص، نرخ خوداشتغالی بخش‌های فوق کاهش یافته است. در دوره زمانی ۱۳۵۵-۱۳۶۵ بر خلاف دو دوره قبل، خالص نرخ خوداشتغالی کل افزایش محسوسی پیدا کرده و برابر ۰/۰۸۱۲ است. در این دوره، تنها خالص نرخ خوداشتغالی بخش‌های (آب و برق و گاز)، خدمات (مالی، شخصی، ملکی، اجتماعی و...) و مشاغل اظهار نشده تغییرات منفی دارد و در سایر بخش‌ها تغییرات مثبت بوده است، بیشترین تغییر منفی مربوط به بخش خدمات (مالی، شخصی، ملکی، اجتماعی و...) است، همچنین، تغییر منفی نرخ خالص کلی بخش‌های (آب و برق و گاز) و مشاغل اظهار نشده به دلیل تغییر منفی سهم اشتغال این بخش‌ها است در حالی که نرخ خوداشتغالی در داخل بخش‌های فوق تغییرات مثبت دارد، ولی در بخش خدمات (مالی، شخصی، ملکی، اجتماعی و...)، بر عکس بخش‌های فوق تغییر منفی نرخ خالص کلی این بخش به دلیل تغییر منفی نرخ خوداشتغالی در داخل بخش و سهم اشتغال بخش بوده که سهم اشتغال بخش بیشتر از نرخ خوداشتغالی در داخل بخش است. بخش‌های حمل و نقل، کشاورزی، ساختمان و صنعت به ترتیب بیشترین تغییر مثبت نرخ خالص کلی خوداشتغالی را داشته‌اند، همچنین، باید گفت که مثبت بودن نرخ خالص کلی خوداشتغالی در بخش‌های معدن، صنعت (هتل‌داری، رستوران و مشاغل عمده و خرده‌فروشی)، حمل و نقل و ساختمان به دلیل مثبت بودن هر دو سهم مؤثر بر خالص نرخ کلی خوداشتغالی بوده است، در حالی که در بخش کشاورزی سهم مربوط به اشتغال این بخش تغییرات منفی دارد. به عبارت دیگر، می‌توان این گونه بیان کرد که در دوره زمانی فوق به دلیل کاهش سهم اشتغال بخش کشاورزی از کل اشتغال، نرخ خوداشتغالی در این بخش کمتر افزایش یافته است، در حالی که در سایر بخش‌ها به دلیل افزایش سهم اشتغال آنها از کل اشتغال، نرخ خالص خوداشتغالی‌شان بیشتر افزایش یافته است.

در دوره زمانی ۱۳۶۵-۱۳۷۰ نیز وضعیت شبیه دوره قبل است، با این تفاوت که در این دوره، نرخ خالص بخش معدن که در دوره قبل مثبت بود، منفی شده است. همچنین، بخش‌های حمل و نقل و خدمات (مالی، شخصی، ملکی، اجتماعی و...)، که در دوره قبل نرخ خالص خوداشتغالی‌شان منفی بود، در این دوره مثبت شده است. نکته دیگر اینکه در این دوره، تغییرات مثبت نرخ خالص خوداشتغالی،

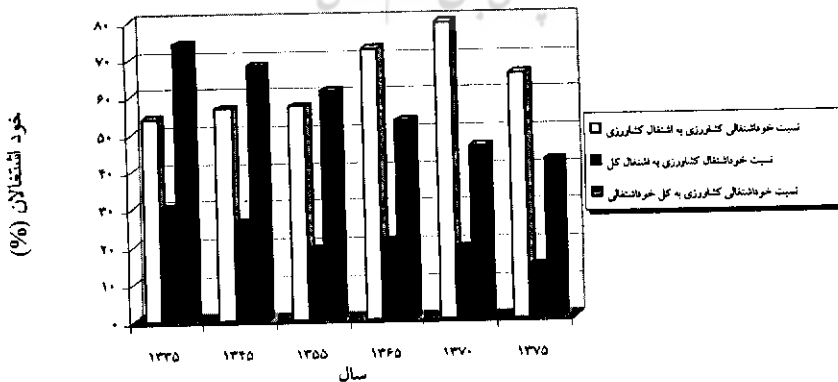
کمتر از دوره قبل است. در این دوره، بیشترین تغییر مثبت در نرخ خالص خوداشتغالی مربوط به بخش‌های خدمات (مالی، شخصی، ملکی، اجتماعی و...) و ساختمان و بیشترین تغییر منفی مربوط به بخش‌های مشاغل اظهار نشده و معدن است. همچنین، بیشترین تغییر مثبت در نرخ خوداشتغالی داخل بخش‌ها مربوط به کشاورزی و صنعت است. بیشترین تغییر منفی مربوط به مشاغل اظهار نشده و حمل و نقل است. در مورد سهم اشتغال بخش‌ها نیز بیشترین تغییرات مثبت مربوط به بخش‌های (هتل‌داری، رستوران و مشاغل عمده و خرده‌فروشی) و خدمات (مالی، شخصی، ملکی، اجتماعی و...) بوده و بیشترین تغییرات منفی مربوط به بخش‌های کشاورزی و مشاغل اظهار نشده است. نکته دیگر اینکه، مجموع تغییرات خوداشتغالی در داخل بخش‌ها همانند دوره‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۵ و ۱۳۴۵-۱۳۶۵ در این دوره نیز مثبت است، در حالی که در دوره ۱۳۴۵-۱۳۵۵ مجموع تغییرات خوداشتغالی در داخل بخش‌ها منفی بود. همچنین، مجموع تغییرات سهم اشتغال بخش‌ها نیز همانند دوره‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۵، ۱۳۴۵-۱۳۵۵ و ۱۳۵۵-۱۳۶۵ در این دوره نیز منفی است. این نکته بیانگر این واقعیت است که در طی دوره ۳۰ ساله فوق به دلیل سهم اشتغال، مجموع بخش‌ها کاهش یافته است که بیشتر به دلیل وزن بالای بخش کشاورزی در اشتغال و خوداشتغالی بوده است.

دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۳۷۵ که آخرین دوره مورد بررسی این مطالعه است نیز، وضعیتی متفاوت از دو دوره قبل دارد. در این دوره، خالص نرخ خوداشتغالی کل تغییرات منفی دارد. به عبارتی در این دوره، شاهد کاهش نرخ خوداشتغالی کل هستیم. در این دوره خالص نرخ خوداشتغالی کلی بخش‌های معدن (هتل‌داری، رستوران و مشاغل عمده و خرده‌فروشی)، حمل و نقل و مشاغل اظهار نشده تغییرات مثبت دارد و بیشترین تغییر مثبت مربوط به بخش معدن است، در حالی که خالص نرخ خوداشتغالی کلی بخش‌های کشاورزی، صنعت (آب و برق و گاز)، ساختمان، خدمات (مالی، شخصی، ملکی، اجتماعی و...) تغییرات منفی دارد و بیشترین تغییر منفی مربوط به خالص نرخ خوداشتغالی بخش کشاورزی است که نشان‌دهنده کاهش خوداشتغالی بخش کشاورزی است. در این دوره، نرخ خوداشتغالی داخل تمامی بخش‌ها تغییرات منفی دارد، در حالی که تغییرات سهم مربوط به اشتغال بخش‌های معدن (هتل‌داری، رستوران و مشاغل عمده و خرده‌فروشی)، حمل و نقل، ساختمان، خدمات (مالی، شخصی، ملکی، اجتماعی و...) و مشاغل اظهار نشده مثبت است.

در جدول (۳) براساس رابطه (۴) نرخ‌های خوداشتغالی کل و بخش‌های ۹ گانه اقتصاد طی دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ گزارش شده است. بر اساس نتایج جدول فوق، نسبت خوداشتغالی به کل اشتغال در اقتصاد ایران از حدود ۴۲ درصد در سال ۱۳۳۵ به حدود ۳۶ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. همچنین، نسبت خوداشتغالی بخش‌ها به کل اشتغال نشان می‌دهد که در بخش کشاورزی طی

دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ روند کاهشی بوده است، نسبت فوق از ۰/۳۰۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۱/۱۴۹ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. در نمودار (۶) این مطلب به خوبی نشان داده شده است. این نمودار نسبت خوداشتغالی به اشتغال بخش کشاورزی، اشتغال کل و خوداشتغالی کل رسم شده است. نمودار مذکور نشان می‌دهد که نسبت خوداشتغالی بخش کشاورزی به خوداشتغالی کل طی دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ روند کاهشی داشته و از ۷۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۴۲ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. به عبارت دیگر، حدود ۷۵ درصد خوداشتغالی ایران در سال ۱۳۳۵ در بخش کشاورزی بوده و با توجه به نمودار (۳) که نشان می‌دهد ۸۰ درصد خوداشتغالی در سال ۱۳۳۵ در نقاط روستایی بوده، نتیجه می‌گیریم که ۶۰ درصد خوداشتغالی ایران در سال ۱۳۳۵ در بخش کشاورزی و در نقاط روستایی بوده است، در حالی که نسبت فوق در سال ۱۳۷۵ به ۲۱ درصد کاهش یافته است. به عبارت دیگر، نسبت خوداشتغالی بخش کشاورزی، نقاط روستایی، طی دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ سه برابر کاهش یافته است، در حالی که روند سایر بخش‌ها افزایشی است. به عبارت بهتر، طی دوره فوق بخش‌های (هتل‌داری، رستوران و مشاغل عمده و خرده‌فروشی)، حمل و نقل، ساختمان، خدمات (مالی، شخصی، ملکی، اجتماعی و...) و نقاط شهری روند افزایشی داشته‌اند. در پایان این بخش می‌توان نتیجه گرفت که طی دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ در اقتصاد ایران به تدریج خوداشتغالی بخش کشاورزی و نقاط روستایی کاهش و خوداشتغالی بخش‌های (هتل‌داری، رستوران و مشاغل عمده و خرده‌فروشی)، حمل و نقل، ساختمان، خدمات (مالی، شخصی، ملکی، اجتماعی و...) و نقاط شهری افزایش یافته است.

نمودار ۶- مقایسه درصد خود اشتغالان بخش کشاورزی به اشتغال کشاورزی، کل اشتغال و خوداشتغالی کل طی دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵



۸. نتایج

در این مقاله، تحولات ساختاری خوداشتغالی طی دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ در کل و بخش‌های اقتصاد ایران با استفاده از روش تجزیه بررسی شد. بدین صورت که کل تغییرات خوداشتغالی در مقاطع ده ساله به عواملی همچون، سهم اشتغال و سهم خوداشتغالی تجزیه و سهم هر عامل و نحوه تأثیرش بر تغییرات خوداشتغالی کل طی دوره زمانی فوق بررسی شد. همچنین، تغییرات خوداشتغالی بخش‌های اقتصاد نیز به دو عامل یادشده تجزیه شده و سهم هر عامل و نحوه تأثیرش طی مقاطع ده ساله مشخص و نشان داده شده که در چه مقطعی و به چه میزان خوداشتغالی کل و بخش‌های اقتصاد متأثر از تغییرات مثبت یا منفی اشتغال کل و تغییرات بخش‌ها و به چه میزان متأثر از تغییرات مثبت یا منفی خوداشتغالی کل و تغییرات خوداشتغالی بخش‌ها بوده است.

همچنین، تحولات خوداشتغالی بر اساس سن، جنس، شهری و روستایی و مقایسه با انواع اشتغال دستمزدی بخش خصوصی و عمومی نیز بررسی شد.

بر اساس نتایج این مقاله می‌توان گفت:

۱. کاهش نرخ خوداشتغالی طی دوره ۱۳۳۵-۱۳۷۵ بیشتر متأثر از سهم اشتغال کل بوده، در حالی که سهم خوداشتغالی کل بخش‌ها در ۲ مقطع ۱۳۳۵-۱۳۶۵ و ۱۳۶۵-۱۳۷۰ بر نرخ خوداشتغالی کل تأثیر مثبت گذاشته است،
۲. نسبت خوداشتغالی بخش کشاورزی (نقاط روستایی ایران) در سال ۱۳۳۵ برابر ۶۰ درصد خوداشتغالی کل بوده که طی دوره بلندمدت ۱۳۳۵-۱۳۷۵ با کاهش قابل ملاحظه‌ای به ۲۱ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. درحالی که خوداشتغالی نقاط شهری افزایش یافته است،
۳. نسبت خوداشتغالی در اقتصاد ایران بیشتر از اشتغال دستمزدی بخش خصوصی و همچنین، نسبت خوداشتغالی در اقتصاد ایران بیشتر از اشتغال دستمزدی بخش عمومی است،
۴. نسبت خوداشتغالی گروه‌های سنی بالاتر بیشتر از گروه‌های سنی پایین‌تر و در میان مردان بیشتر از زنان است.

جدول-۳. نسبت خود اشتغالی به اشتغال بخش‌ها و نسبت اشتغال بخش‌ها از کل اشتغال در

دوره زمانی ۱۳۲۵-۱۳۷۵

	۱۳۲۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰
نرخ‌های خوداشتغالی					
بخش‌ها	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
کشاورزی	۵۳/۹	۵۶/۶	۵۷	۷۲/۱	۷۹
استخراج معدن	۰/۰۲۳	۰/۰۳	۰/۰۱۲	۰/۰۲۸	۰/۰۳۹
صنعت	۲۹/۵	۲۴/۱	۱۸/۴	۳۰/۱	۳۲/۷
آب و برق و گاز	۲۱/۵	۰/۰۱۴	۰/۰۰۷	۰/۰۴۴	۰/۰۳۱
هتل، رستوران و مشاغل عمده و خرده فروشی	۷۳/۱	۶۳/۲	۶۴/۷	۶۹/۷	۶۹/۹
حمل و نقل	۱۹/۲	۲۳/۱	۳۴/۲	۵۳/۴	۵۱/۵
ساختمان	۰/۰۶۶	۰/۰۷۷	۰/۰۸۳	۳۲/۲	۴۸/۳
خدمات مالی، بیمه، شخصی، ملکی و اجتماعی	۱۰/۳	۱۱/۳	۰/۰۶۹	۰/۰۶۸	۰/۰۹۹
مشاغل اظهار نشده	۰/۰۴۴	۰/۰۹	۰/۰۵	۲۳/۶	۱۸/۳
کل	۴۱/۲	۳۸/۸	۳۱/۹	۳۹/۸	۴۱/۶
سهم اشتغال	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
کشاورزی	۵۶/۳	۴۶/۲	۳۴	۲۹/۱	۲۴/۵
استخراج معدن	۰/۰۰۴۲	۰/۰۰۳۸	۰/۰۱۰۲	۰/۰۰۲۹	۰/۰۰۷۷
صنعت	۱۳/۸	۱۸/۵	۱۹	۱۳/۲	۱۵/۴
آب و برق و گاز	۰/۰۰۱۹	۰/۰۰۷۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۸۲	۰/۰۰۹۸
هتل و رستوران و مشاغل عمده خرده فروشی	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۰۷۶	۰/۰۷۹	۰/۰۹۵
حمل و نقل	۰/۰۳۵	۰/۰۳۳	۰/۰۴۹	۰/۰۵۷	۰/۰۵۸
ساختمان	۰/۰۵۷	۰/۰۷۴	۱۳/۵	۱۰/۹	۱۰/۵
خدمات مالی، بیمه، شخصی، ملکی و اجتماعی	۱۱/۱	۱۳/۵	۱۸/۴	۲۸/۷	۲۸/۴
مشاغل اظهار نشده	۰/۰۳	۰/۰۱۹	۰/۰۰۸	۰/۰۳۳	۰/۰۴۳
کل	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

منبع: محاسبات پژوهش، براساس آمار سال‌های مختلف سرشماری، عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار

ایران.

جدول ۴- تجزیه نرخ‌های کلی خود اشتغالی در دوره زمانی ۷۵-۱۳۳۵ واحد: درصد

دوره زمانی	۱۳۳۵-۴۵	۱۳۴۵-۵۵	۱۳۲۵-۶۵	۱۳۴۵-۷۰	۱۳۷۰-۷۵
تغییر در نرخ خود اشتغالی کل	-.۰۲۴	-.۰۶۹	۰.۰۷۹	۰.۰۱۸	-.۰۵۹
سهام از تغییر در:					
الف- (۱) روش ۱ (معادله ۷)	-.۰۱۵	-.۰۱۱	۰.۱۰۸	۰.۰۳۳	-.۰۷۶
ب- (۲) نرخ خوداشتغالی داخل بخش‌ها	-.۰۰۷۴	-.۰۵۸	-.۰۲۹	-.۰۱۵	۰.۰۱۷
سهام از تغییر در:					
الف- (۲) روش ۲ (معادله ۷)	۰.۰۰۶	-.۰۰۱	۰.۱۲	۰.۳۶	-.۰۷۴
ب- (۲) سهم اشتغال داخل بخش‌ها	-.۰۰۳	-.۰۵۹	-.۰۴۱	-.۰۱۸	۰.۰۱۵

منبع: محاسبات پژوهش

جدول ۵- تجزیه نرخ‌های خوداشتغالی بخش‌های اقتصاد در دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۴۵ واحد: درصد

بخش	روش ۱ معادله (۸) سهم از تغییر در:		روش ۲ معادله (۹) سهم از تغییر در:		سهم خالص هر بخش معادله (۷)
	نرخ خوداشتغالی	سهم اشتغال	نرخ خوداشتغالی	سهم اشتغال	
کشاورزی	۰.۰۱۵	-.۰۰۱۸	۰.۰۱۲۵	-.۰۰۱۷۷	-.۰۰۲۸
استخراج معدن	۰.۰۰۰۳	۰.۰۰۰۱۴	۰.۰۰۰۰۳	۰.۰۰۰۰۱۵	۰.۰۰۰۰۱۷
صنعت	-.۰۰۰۷۵	-.۰۰۰۷	-.۰۰۰۹۹	-.۰۰۰۴۳	-.۰۰۰۱۵
آب و برق و گاز	-۰.۰۰۰۴	-۰.۰۰۲۲	-۰.۰۰۱۵	-۰.۰۰۰۱	-۰.۰۰۲۵
هتل و رستوران و مشاغل عمده و خرده فروشی	-.۰۰۰۶	۰.۰۰۴۹	-.۰۰۰۷۹	۰.۰۰۶۹	-.۰۰۰۱۱

ادامه جدول - ۵.

حامل و نقل	۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۱۳	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۱۷
ساختمان	-۰/۰۰۰۶	-۰/۰۰۵۳	۰/۰۰۰۸	-۰/۰۰۵۵	-۰/۰۰۴۷
خدمات مالی، بیمه، شخصی، ملکی و اجتماعی	۰/۰۰۱۱	-۰/۰۰۶۶	۰/۰۰۱۴	-۰/۰۰۶۸	-۰/۰۰۵۵
مشاغل اظهار نشده	۰/۰۰۰۸۷	۰/۰۰۳۳	۰/۰۰۰۸۷	۰/۰۰۲۸	۰/۰۰۴۷
کل	۰/۰۰۹۵	-۰/۰۳۲۱	-۰/۰۰۲۴	-۰/۰۲۴۳۵	-۰/۰۲۲۵۳

منبع: محاسبات پژوهش

جدول ۶- تجزیه نرخ‌های خوداشتغالی بخش‌های اقتصاد در دوره زمانی ۱۳۴۵-۱۳۵۵

بخش	روش ۱ معادله (۸) سهم از تغییر در:		روش ۲ معادله (۹) سهم از تغییر در:		سهم خالص هر بخش معادله (۷)
	نرخ خوداشتغالی	سهم اشتغال	نرخ خوداشتغالی	سهم اشتغال	
کشاورزی	۰/۰۰۱۸	-۰/۰۳۱	۰/۰۰۱۴	-۰/۰۳۰	-۰/۰۲۹
استخراج معدن	-۰/۰۰۰۰۷	-۰/۰۰۰۲	-۰/۰۰۰۰۲	-۰/۰۰۰۲	-۰/۰۰۰۲
صنعت	-۰/۰۰۱۱	-۰/۰۰۰۷	-۰/۰۰۱۱	-۰/۰۰۰۴	-۰/۰۰۱۱
آب و برق و گاز	-۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۲۲	-۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۰۲
هتل و رستوران و مشاغل عمده و خرده فروشی	۰/۰۰۱۲	-۰/۰۰۱۳	۰/۰۰۱۱	-۰/۰۰۱۴	-۰/۰۰۰۱
حامل و نقل	۰/۰۰۳۷	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۵۴	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۴
ساختمان	۰/۰۰۰۰۴	-۰/۰۰۱۴۴	۰/۰۰۰۰۸	-۰/۰۰۱۵	-۰/۰۰۱۴
خدمات مالی، بیمه، شخصی، ملکی و اجتماعی	-۰/۰۰۰۶	-۰/۰۰۱۲۳	-۰/۰۰۰۸	-۰/۰۰۱۰	-۰/۰۰۱۹
مشاغل اظهار نشده	-۰/۰۰۰۰۸	۰/۰۰۰۲	-۰/۰۰۰۰۳	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۲۲
کل	-۰/۰۰۱۰۸۲	-۰/۰۵۸۲۸	-۰/۰۰۱۰۸۵	-۰/۰۵۴۰۱	-۰/۰۰۶۸۷

منبع: محاسبات پژوهش

جدول ۷- تجزیه نرخ‌های خوداشتغالی بخش‌های اقتصاد در دوره زمانی ۱۳۵۵-۱۳۶۵

واحد: درصد

بخش	روش ۱ معادله (۸) سهم از تغییر در:		روش ۲ معادله (۷) سهم از تغییر در:		سهم خالص هر بخش معادله (۷)
	نرخ خوداشتغالی	سهم اشتغال	نرخ خوداشتغالی	سهم اشتغال	
کشاورزی	۰/۰۵۱	-۰/۰۱۶	-۰/۰۴۴	-۰/۰۰۸	-۰/۰۳۶
استخراج معدن	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۰۸	-۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۳
صنعت	۰/۰۲۲	۰/۰۰۵۶	-۰/۰۱۵	-۰/۰۱۲	-۰/۳۰
آب و برق و گاز	۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۰۴	-۰/۰۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۰۳۹	-۰/۰۰۰۰۱
هتل و رستوران و مشاغل عمده و خرده فروشی	۰/۰۰۳۸	۰/۰۰۰۰۹	-۰/۰۰۰۴	-۰/۰۰۰۰۷۵	-۰/۰۰۰۴۷
حمل و نقل	۰/۰۰۹۱	۰/۰۰۱۰۹	-۰/۰۱۱	-۰/۰۰۰۰۴۵	-۰/۰۱۰۵
ساختمان	۰/۰۳۲	۰/۰۰۱۹۸	-۰/۰۲۶	-۰/۰۰۸۳	-۰/۰۳۴
خدمات مالی، بیمه، شخصی، ملکی و اجتماعی	-۰/۰۰۰۰۲	-۰/۰۳۴	-۰/۰۰۰۰۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۴۲
مشاغل اظهار نشده	۰/۰۰۴۹	-۰/۰۰۰۷۵	۰/۰۰۶۱۴	-۰/۰۶۴	-۰/۰۰۲۶
کل	۰/۱۲۳۲	-۰/۰۴۵۳۳	۰/۱۶۱۴۸	-۰/۰۸۱۸۹	-۰/۰۸۱۲

منبع: محاسبات پژوهش

جدول ۸- تجزیه نرخ‌های خود اشتغالی بخش‌های اقتصاد در دوره زمانی ۱۳۶۵-۱۳۷۰

واحد: درصد

بخش	روش ۱ معادله (۸) سهم از تغییر در:		روش ۲ معادله (۹) سهم از تغییر در:		سهم خالص هر بخش (معادله (۷))
	نرخ خوداشتغالی	سهم اشتغال	نرخ خوداشتغالی	سهم اشتغال	
کشاورزی	۰/۰۲۰	-۰/۰۱۷۲	۰/۰۱۷	-۰/۰۱۴	-۰/۰۲۹
استخراج معدن	۰/۰۰۰۰۳	-۰/۰۰۱۵	۰/۰۰۰۰۰۸	-۰/۰۰۱۶	-۰/۰۰۱۸
صنعت	۰/۰۰۳۴	-۰/۰۰۱۹	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۲۵	-۰/۰۰۱۵
آب و برق و گاز	-۰/۰۰۰۱۰	-۰/۰۰۰۶۲	-۰/۰۰۰۱۳	-۰/۰۰۰۵۹	-۰/۰۰۰۷۲
هتل، رستوران و مشاغل عمده و خرده فروشی	۰/۰۰۰۱۶	۰/۰۰۱۶۴	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۶	۰/۰۰۱۸
حمل و نقل	-۰/۰۰۱۰۸	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۱۱	۰/۰۰۰۰۱۲	-۰/۰۰۰۹۸
ساختمان	۰/۰۰۰۶۷	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۶۴	۰/۰۰۰۰۳	۰/۰۰۰۶۸
خدمات مالی، بیمه، شخصی، ملکی و اجتماعی	۰/۰۰۰۸۹	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۸۹	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۹۹
مشاغل اظهار نشده	-۰/۰۰۰۱۸	-۰/۰۰۰۲۳	-۰/۰۰۰۲۳	-۰/۰۰۰۱۸	-۰/۰۰۰۴۱
کل	۰/۰۳۶۱۸۳	-۰/۰۲۰۶۸	۰/۰۳۲۹۷۸	-۰/۰۱۷۴۷	۰/۰۱۶۰۲

منبع: محاسبات پژوهش

جدول-۹. تجزیه نرخ‌های خود اشتغالی بخش‌های اقتصاد در دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۳۷۵

واحد: درصد

بخش	روش ۱ معادله (۸) سهم از تغییر در:		روش ۲ معادله (۹) سهم از تغییر در:		سهم خالص هر بخش (معادله (۷))
	نرخ خوداشتغالی		نرخ خوداشتغالی		
	سهم اشتغال	نرخ اشتغال	سهم اشتغال	نرخ اشتغال	
کشاورزی	-۰/۰۳۴	-۰/۰۰۵	-۰/۰۳۱	-۰/۰۰۸	-۰/۰۳۹
استخراج معدن	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۷۵۴	-۰/۰۰۰۴۱	۰/۰۷۵۴۱	۰/۰۷۵
صنعت	-۰/۰۱۲	-۰/۰۰۲	-۰/۰۱۳	-۰/۰۰۱	-۰/۰۱۴
آب و برق و گاز	-۰/۰۰۰۰۲	-۰/۰۳۰۹۸	-۰/۰۰۰۰۲۱	-۰/۰۳۰۹۷۹	-۰/۰۳۱
هتل و رستوران و مشاغل عمده و خرده فروشی	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۸۳	-۰/۰۱۰	۰/۰۱۰۳	۰/۰۰۰۳
حمل و نقل	-۰/۰۰۰۱۷	-۰/۰۰۱۲۷	-۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۱۳	۰/۰۰۱۱
ساختمان	-۰/۰۱۳۰	-۰/۰۰۱۲۰	-۰/۰۱۴	۰/۰۰۳۰	-۰/۰۱۱
خدمات مالی، بیمه، شخصی، ملکی و اجتماعی	-۰/۰۱۲	۰/۰۱۱۲۰	-۰/۰۱۱	۰/۰۱۰۲	-۰/۰۰۰۸
مشاغل اظهار نشده	۰/۰۰۱۹	۰/۰۰۳۱	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۴۲	-۰/۰۰۵۰
کل	-۰/۰۷۷۶۹	-۰/۰۶۳۲۹	-۰/۰۷۸۸۳۱	-۰/۰۶۴۴۳۱	-۰/۰۱۴۴

منبع: محاسبات پژوهش

جدول ۱۰- نسبت خوداشتغالی بخش‌ها به اشتغال بخش‌ها و نرخ‌های خوداشتغالی کل اقتصاد در دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۷۵

بخش‌ها	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵
نرخ‌های خوداشتغالی	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
کشاورزی	۹/۵۳	۶/۵۶	۵۷	۱/۷۲	۷۹	۳/۶۵
استخراج معدن	۰/۰۲۳	۰/۰۳	۰/۰۱۲	۰/۰۳۸	۰/۰۳۹	۰/۰۳۴
صنعت	۵/۲۹	۱/۲۴	۴/۱۸	۱/۳۰	۷/۳۲	۲/۲۵
آب و برق و گاز	۵/۲۱	۰/۱۴	۰/۰۷	۰/۰۴۴	۰/۰۳۱	۰/۰۲۹
هتل و رستوران و مشاغل عمده و خرده فروشی	۱/۷۳	۲/۶۳	۷/۶۴	۷/۶۹	۹/۶۹	۷/۶۱
حمل و نقل	۲/۱۹	۱/۲۳	۲/۳۴	۴/۵۳	۵/۵۱	۲/۵۱
ساختمان	۰/۰۶۶	۰/۰۷۷	۰/۰۸۳	۲/۳۲	۳/۳۸	۵/۲۸
خدمات مالی، بیمه، شخصی ملکی و اجتماعی	۳/۱۰	۳/۱۱	۰/۶۹	۰/۰۶۸	۰/۰۹۹	۰/۰۵۶
مشاغل اظهار نشده	۰/۰۴۴	۰/۰۹	۰/۰۵	۶/۲۳	۳/۱۸	۶/۲۲
کل	۲/۴۱	۸/۳۸	۹/۳۱	۸/۳۹	۶/۴۱	۷/۳۵

منبع: محاسبات پژوهش براساس رابطه (۷)

پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. مرکز آمار ایران. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۷۵.
۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. خلاصه برنامه عمرانی چهارم، قسمت اول کلیات اقتصادی، فصل سوم، برنامه عمرانی پنجم کشور و فصل چهارم.
3. Blanchflower, D. G. and A. J. Oswald. (1998). What Makes an Entrepreneur?. *Journal of Labor Economics*, Vol. 16, No. 1.
4. Blanchflower, D.G. (1998). *Self-employment in OECD Countries*. Department of Economics, Dartmouth College and National Bureau of Economic Research 1-63.p.471.
5. Norma Samaniego. (1998). *Urban Self-employment in Mexico, Recent Trends & Policies*.p.1
6. Fairlie, Robert, W., and Bruce D. Meyer. (1996). An Ethnic and Racial Self-Employment Differences and Possible Explanations. *Journal of Human Resources*, Vol. 31, No. 4 (Fall),p. 790.
7. Oaxaca, R. (1973). Male-female Wage Differentials in the Urban Labor Market. *International Economic Review*, Vol.14, No.4.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی